

# بازتحلیل ماهیت رأی اعتماد در حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران در مصاف با فرآیند تأیید انتصابات

## چکیده

به موجب اصول ۸۷ و ۱۳۳ قانون اساسی، رئیس‌جمهور لازم است که از مجلس شورای اسلامی برای وزرای خود رأی اعتماد بگیرد. در صورت تغییر نمایندگان مجلس شورای اسلامی در میانه راه دولت، نیاز به تجدید رأی اعتماد برای وزرا نیست. رأی اعتماد برای وزرا به صورت فردی و ناظر بر شایستگی‌ها و سوابق شغلی صورت می‌گیرد و قواعد اساسی ضامن همسویی سیاسی دولت با مجلس نیست. در صورتی که رئیس‌جمهور نتواند برای وزرای خود از مجلس رأی اعتماد بگیرد، در اصل استقرار دولت خلی وارد نمی‌شود و تنها روند شکل‌گیری دولت با تأخیر صورت می‌گیرد و امکان انحلال پارلمان وجود ندارد. مقایسه این موارد با قالب، زمینه سیاسی و اثر عدم رأی اعتماد در نظام‌های پارلمانی و نیمه‌ریاستی نشان از تفاوت رأی اعتماد در حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران با مشترک لفظی خود در نظام‌های پارلمانی دارد. در مقابل، به نظر می‌رسد که رأی اعتماد در حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران با نهاد حقوقی فرآیند تأیید انتصابات در نظام‌های ریاستی شباهت بیشتری دارد. مطابقت رأی اعتماد در حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران با عناصر سه‌گانه موجود در دو نهاد حقوقی مزبور، فرضیه فوق را ثابت می‌کند.

**واژگان کلیدی:** رأی اعتماد، فرآیند تأیید انتصابات، انحلال پارلمان، شکل‌گیری دولت، زمینه سیاسی

## مقدمه

در اکثر نظام‌های سیاسی معاصر، نهاد پارلمان یا مجلس قانونگذاری در زمان شکل‌گیری دولت‌ها نقش ایفا می‌کنند. گاه، ایفای نقش مجالس قانونگذاری به نحوی است که موافقت یا عدم موافقت آن‌ها با دولت می‌تواند منجر به عدم شکل‌گیری دولت و برهم خوردن میزبازی احزاب سیاسی در همان ابتدا شود. اما، گاه عدم موافقت مجالس قانونگذاری صرفاً روند شکل‌گیری دولت را کمی به تأخیر می‌اندازد.<sup>1</sup> در گونه نخست، دست برتر با پارلمان است، زیرا که اگر دولت نتواند موافقت پارلمان را کسب کند، دولت شکل نمی‌گیرد و حتی این عدم توافق ممکن است به برگزاری انتخابات مجدد بیانجامد. در گونه دوم، این دولت است که در نهایت دست برتر را دارد و استوار در جایگاه حقوقی خود می‌ایستد، گرچه ممکن است برای آن که زودتر کابینه خود را تشکیل دهد مجبور باشد از برخی گزینه‌ها کوتاه بیاید. نهاد حقوقی رأی اعتماد در نظام‌های پارلمانی و تاحدودی نیمه‌ریاستی موجد وضعیت اول و نهاد حقوقی فرآیند تأیید انتصابات در برخی از نظام‌های ریاستی موجد وضعیت دوم است.

هرچند نقش آفرینی پارلمان‌ها در تشکیل دولت در نظام‌های پارلمانی و نیمه‌ریاستی در قالب نهاد حقوقی رأی اعتماد واضح و روشن است؛ اما این گونه نیست که در نظام‌های ریاستی، شاهد خودمختاری کامل رئیس‌جمهور در تعیین اعضای کابینه باشیم. واضح است که تشکیل دولت در نظام‌های ریاستی، بر پایه رئیس‌جمهور منتخب مردم استوار است، لکن در برخی از قوانین اساسی نظام‌های ریاستی، نوعی نظارت مجالس قانون‌گذاری بر تعیین اعضای کابینه وجود دارد. سنگ‌بنای چنین نظارتی در قوانین اساسی نظام‌های ریاستی، قاعده «چک و بالانس» است که به

---

<sup>1</sup> . See: Robert Elgie, *Divided Government in Comparative Perspective* (New York: Oxford University Press, 2001) at 39-43.

موجب آن هر کدام از قوای سه گانه از ابزارهای کنترل و نفوذ در قبال یکدیگر جهت جلوگیری از تجاوز و سوء استفاده از قدرت بهره‌مند هستند.<sup>۲</sup>

اصول ۸۷ و ۱۳۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران صحبت از نهاد رأی اعتماد می‌کند. اصل ۸۷ قانون اساسی مقرر می‌دارد: «رئیس‌جمهور برای هیأت‌وزیران پس از تشکیل و پیش از هر اقدام دیگر باید از مجلس رأی اعتماد بگیرد...» اصل ۱۳۳ قانون اساسی مقرر می‌دارد: «وزراء توسط رئیس‌جمهور تعیین و برای گرفتن رأی اعتماد به مجلس معرفی می‌شوند. با تغییر مجلس، گرفتن رأی اعتماد جدید برای وزراء لازم نیست. تعداد وزیران و حدود اختیار هر یک از آنان را قانون معین می‌کند» به موجب اصول مذکور، دولت در ابتدای شکل‌گیری باید برای وزرا از مجلس شورای اسلامی رأی اعتماد بگیرد. در بادی امر، ظاهر اصطلاح رأی اعتماد دلالت بر نهاد تخصصی می‌کند که در نظام‌های پارلمانی و نیمه‌ریاستی رواج دارد، اما مطالعه تطبیقی رأی اعتماد موجود در متن قانون اساسی با آن چه در نظام‌های سیاسی معاصر از حیث ویژگی و آثار وجود دارد، منجر به کشف عدم تطابق این نهاد در حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران با سایر نظام‌های سیاسی است.<sup>۳</sup>

---

<sup>۲</sup> . Elena Griglio, *Parliamentary Oversight of the Executives, Tools and Procedures in Europe* (London: Hart publishing, 2020) at 34. Kevin YL Tan, *Presidential systems*, (Heidelberg: Max Plank Encyclopedia of Comparative Constitutional Law, Oxford University Law, 2017) at 5.

<sup>۳</sup> . لازم به تذکر است که معادل رأی اعتماد تأسیسی (Investiture vote) و رأی اعتماد (Vote of confidence) در ادبیات پارلمانی خارجی متفاوت است. هر چند در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، از عبارت رأی اعتماد برای هر دو منظور یعنی رأی اعتماد تأسیسی و رأی اعتماد در اصل ۸۷ قانون اساسی استفاده شده است. به صورت مختصر می‌توان بیان داشت که مراد از ترجمه رأی اعتماد تأسیسی، اعلام حمایت مجلس در ابتدای تشکیل دولت است و رأی اعتماد در معنای دقیق کلمه، زمانی بکار می‌رود که فرآیند تشکیل دولت صورت گرفته و دولت در خلال زمان تصدی خود، پیرامون موضوع و سیاست خاصی از پارلمان، خواستار رأی اعتماد شود. در این نوشتار صرفاً به نهاد تخصصی رأی اعتماد تأسیسی خواهیم پرداخت و هر زمان که از رأی اعتماد بدون قید تأسیسی استفاده کردیم، مراد همان رأی اعتماد تأسیسی است و قبول این اختصار در نامگذاری از سوی نگارنده به واسطه رواج این معادل در حقوق اساسی ایران است.

مطالعه اجمالی پیرامون ماهیت رأی اعتماد در حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، اخیراً در قالب مقاله «ماهیت پارلمانی یا ریاستی رأی اعتماد به هیأت‌وزیران در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران» صورت گرفته است.<sup>۴</sup> پژوهش پیش‌رو ضمن تأیید نتایج مقاله مزبور به صورت موشکافانه و تفصیلی به عنصرشناسی آن چه در قانون اساسی از آن به عنوان رأی اعتماد نام برده می‌شود، پرداخته و این مسیر پس از گذر از شناسایی عناصر دو نهاد حقوقی رأی اعتماد و فرآیند تأیید انتصابات که مبین نقش مجالس قانونگذاری در شکل‌گیری دولت‌ها در نظام‌های سیاسی است، طی شده است. بر این اساس، سوال پژوهش به این امر اختصاص دارد که نقش مجلس شورای اسلامی در زمان شکل‌گیری دولت در حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران در قالب چه نهاد حقوقی قابل توصیف است؟ به تقریری دگر، آیا رأی اعتماد به وزرا در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در معنای تخصصی خود به کار رفته است؟ فرضیه اولیه تحقیق پیش‌رو مبتنی بر وجود تفاوت‌ها و تمایزها میان عناصر رأی اعتماد در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با نهاد رأی اعتماد در معنای تخصصی خود در نظام‌های پارلمانی و نیمه‌ریاستی است. بررسی‌های تطبیقی در این پژوهش به این نتیجه رهنمون شده است که آن چه از آن تحت عنوان رأی اعتماد در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران یاد می‌شود، شباهت بیشتری با فرآیند شکل‌گیری دولت در برخی از نظام‌های ریاستی دارد.

---

See: John D. Huber, "The Vote of Confidence in Parliamentary Democracies", *The American Political Science Review*, Vol. 90, (1998).

<sup>۴</sup>. جواد تقی‌زاده و سمانه تقی‌زاده چاری، «ماهیت پارلمانی یا ریاستی رأی اعتماد به هیأت‌وزیران در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران» *فصلنامه دولت‌پژوهی*، شماره ۲۹، صص ۱۸۹-۲۱۱.

## ۱. عنصرشناسی رأی اعتماد در نظام‌های سیاسی

نهاد حقوقی رأی اعتماد در نظام‌های پارلمانی و همچنین نظام‌های نیمه‌ریاستی موجبات نقش‌آفرینی پارلمان را در شکل‌گیری دولت فراهم می‌آورد. این نهاد در اغلب نظام‌های پارلمانی و نیمه‌ریاستی از خصایص مشترکی برخوردار است که می‌توان از آن‌ها برای تعریف این نهاد حقوقی و بازشناسایی آن با نهادهای حقوقی قریب یا رقیب بهره برد. قالب رأی اعتماد یا موضوع آن، زمینه رأی اعتماد یا ماهیت سیاسی آن و آثار و نتایج توفیق به اخذ یا عدم توفیق به اخذ این موافقت برای دولت و نظام سیاسی، پارامترهایی است که این نوشتار از آن به عنوان عناصر نهاد تخصصی رأی اعتماد در نظام‌های سیاسی صحبت می‌کند.

### ۱.۱. قالب رأی اعتماد؛ هیأت‌وزیران، برنامه دولت یا رئیس دولت

در نظام‌های سیاسی، رأی اعتماد را از زوایای مختلفی می‌توان تقسیم‌بندی کرد. لزوم اخذ رأی اعتماد به صورت ضمنی یا صریح و پیشینی یا پسینی بودن رأی اعتماد از جنبه‌های قابل بررسی این نهاد حقوقی است. موضوع یا قالب رأی اعتماد یا به بیانی دیگر آن‌چه که برای ان رأی اعتماد اخذ می‌شود، جنبه دیگری از نهاد حقوقی رأی اعتماد است که می‌تواند محل مطالعه و مذاقه قرار گیرد. رویه کشورها گونه‌های مختلفی از موضوع رأی اعتماد را نشان می‌دهند. به طور کلی می‌توان رأی اعتماد را در سه قالب، رأی اعتماد به رئیس دولت،<sup>۵</sup> رأی اعتماد به برنامه و سیاست دولت<sup>۶</sup> و رأی اعتماد به کلیت کابینه<sup>۷</sup> تقسیم و تبیین کرد. برخی از نظام‌های پارلمانی از میان سه شیوه فوق، تنها تحقق یک مورد را برای تشکیل دولت لازم می‌دانند. برای نمونه در کشورهای آلمان، هونگراس، سوئد تنها اخذ رأی اعتماد برای رئیس دولت کافی است و در کشورهایی مانند ایتالیا، جمهوری چک و لهستان، تنها رأی اعتماد به ترکیب کابینه و هیأت‌وزیران، برای

---

<sup>5</sup>. Head of government

<sup>6</sup>. Government's program

<sup>7</sup>. Composition of cabinet

تشکیل دولت لازم است. تنها در انگلستان، فقط برنامه دولت، بایستی رأی اعتماد پارلمان را کسب کند.<sup>۸</sup> برخی از کشورها نیز ترکیبی از سه مدل فوق را برای تشکیل دولت پارلمانی لازم دانسته‌اند. برای نمونه، رأی اعتماد تأسیسی در پرتغال و رومانی در دو سطح برنامه دولت و ترکیب کابینه و در ایرلند در دو سطح رئیس دولت و ترکیب هیأت وزیران و در اسپانیا در دو سطح رئیس دولت و برنامه دولت اخذ می‌شود. از میان نظام‌های پارلمانی، تنها در بلژیک، اخذ رأی اعتماد در سه سطح رئیس دولت، کلیت کابینه و برنامه دولت پیش‌بینی شده‌است.<sup>۹</sup> در هیچ یک از نظام‌های پارلمانی، رأی‌گیری برای تک‌تک وزرا بدون توجه به انسجام و هماهنگی ترکیب کابینه اخذ نمی‌شود. البته در برخی از کشورها مانند رومانی، سوابق فردی وزرا نیز مورد توجه قرار می‌گیرد. در پارلمان رومانی، کمیسیون‌های پارلمانی سوابق نامزدها برای سمت وزارت را مورد ارزیابی قرار می‌دهد، اما در نهایت، برای کلیت کابینه رأی‌گیری می‌شود و پارلمان این اختیار را دارد که یا به کلیت کابینه رأی اعتماد دهد یا کلیت کابینه را رد کند.<sup>۱۰</sup>

## ۲.۱. زمینه رأی اعتماد؛ سیاسی

در نظام پارلمانی که دولت منبعث از مجلس و مسئول در برابر آن است، تشکیل دولت نیز از منظر قانون اساسی، دارای قیود الزام‌آوری است. از مهمترین آن‌ها، این است که علاوه بر این که دولت باید حمایت اعضای حزب خود را دارا باشد، لازم است که از حمایت اکثریت مجلس نیز برخوردار باشد. در برخی از دموکراسی‌های پارلمانی، دولت می‌بایست قبل از تصدی سمت به صورت صریح اثبات کند که حمایت اکثریت را دارد. این امر در قالب رأی اعتماد ظاهر

---

<sup>۸</sup>. Bjørn Erik, Shane Martin and José Antonio Cheibub, "Investiture Rules and Government Formation", In *Parliaments and Government Formation, Unpacking Investiture Rules*, Bjørn Erik, Shane Martin and José Antonio Cheibub, (ed:) (London: Oxford University Press, 2015) at 335 -337.

<sup>۹</sup>. Ibid, at 337.

<sup>۱۰</sup>. Ibid, at 336-337.

می‌شود. رأی اعتماد، رأیی است که در پارلمان اخذ می‌شود و نشانگر آن است که دولت تشکیل شده یا دولتی که در حال شکل‌گیری است، از حمایت پارلمان برخوردار است. در واقع، رأی اعتماد نشان‌دهنده و اثبات‌کننده همسویی سیاسی دولت با پارلمان مستقر است. همین امر سبب می‌گردد که در صورتی که به هر دلیل دولت در میانه مدت نمایندگی حزب حاکم در پارلمان برکنار شود یا استعفا دهد، دولت جدید که می‌خواهد بر سر کار آید باید از منظر خط مشی سیاسی و حزبی همسو با اکثریت نمایندگان پارلمان باشد.<sup>۱۱</sup> صرف شایستگی وزرا و کابینه برای تشکیل دولت کافی نیست و آنچه در نهایت، نقش تعیین‌کننده‌ای در انتخاب اعضای کابینه و رئیس دولت دارد، همسویی و موافقت سیاسی اکثریت پارلمان با آنها است. نتیجه‌گزاره پیشین، آن است که پارلمان برای آن که بخواهد رأی اعتماد به دولت ندهد نیازمند دلیل و مستند خاصی نیست و به صرف عدم همسویی سیاسی می‌تواند به دولت رأی اعتماد ندهد.

لزوم همسویی دولت با پارلمان با قاعده اکثریت به عنوان شاخص تعیین نخست‌وزیر ارتباط وثیقی دارد.<sup>۱۲</sup> این قاعده، اصولاً در قالب عرف اساسی در نظام‌های پارلمانی الزام‌آوری دارد و نباید به دنبال آن در متن قانون اساسی بود. در نظام‌های پارلمانی فاقد قانون اساسی نوشته یا به عبارت صحیح‌تر، فاقد قانون اساسی مدون، عرف‌های پارلمانی، بیانگر این الزام هستند. برای نمونه، در انگلستان، مقام سلطنت، فردی را که مورد اعتماد مجلس عوام است، انتخاب می‌کند. این مفهوم در نظام‌های سیاسی، به تدریج، با تثبیت و شکل‌گیری احزاب سیاسی جدید تکمیل شد. مقام

---

<sup>۱۱</sup> Florian Meinel, "Confidence and Control in Parliamentary Government: Parliamentary Questioning, Executive Knowledge and the Transformation of Democratic Accountability", *American Journal of Comparative Law*, Vol. 66, (2018), at 319. Rainer Grote, "Parliamentary Systems", *Max Plank Encyclopedia of Comparative Constitutional Law*, Oxford Constitutional Law, (2016), at 4.

<sup>۱۲</sup> ر.ک. سیده زهرا، سعید، تحلیل مسائل نخست‌وزیری در قانون اساسی ۱۳۵۸ از منظر عرف اساسی، در مجموعه مقالات دومین همایش اصول نانوشته قانون اساسی، (قم: دانشکده‌گان فارابی دانشگاه تهران، زیر چاپ)

سلطنت، رئیس حزب اکثریت در مجلس ملی را که دارای بیشترین کرسی است به این سمت برمی‌گزیند.

در نظام‌های پارلمانی دارای قانون اساسی نوشته، هرچند به این حکم که «انتخاب نخست‌وزیر توسط رئیس‌جمهور انجام می‌گیرد» اشاره شده است، اما معیار تعیین و نحوه‌گزینش نخست‌وزیر به عرف و قاعده اساسی میان نظام‌های پارلمانی سپرده می‌شود. برای نمونه، ماده ۶۲ قانون اساسی آلمان مقرر می‌دارد: «بوندستاگ، صدراعظم را بدون بحث بر سر نامزد پیشنهادی رئیس‌جمهور انتخاب می‌کند. فردی که رأی اکثریت بوندستاگ را به دست آورد، به عنوان صدراعظم انتخاب می‌شود». همچنین، ماده ۹۲ قانون اساسی ایتالیا، بیان می‌دارد که «رئیس‌جمهور، رئیس هیأت‌وزیران را نامزد می‌کند» در این صورت، عرف اساسی، رئیس‌کشور را در عمل ملزم می‌کند که نامزدهای پیشنهادی را همسو با اکثریت نمایندگان انتخاب کند. بنابراین، انتخاب نخست‌وزیر توسط رئیس‌جمهور و یا پادشاه به هیچ روی، به معنای آزادی عمل ایشان در انتخاب و گزینش نخست‌وزیر نمی‌باشد. رؤسای قوای اجرایی، در این مورد کاملاً آزاد نیستند و الزامات مختلف سیاسی، اراده یا اختیار آنان را در تعیین نخست‌وزیر محدود می‌نماید. کسی باید در این سمت گماشته شود که از پشتیبانی اکثریت اعضای پارلمان، محتملاً یا یقیناً برخوردار باشد.<sup>۱۳</sup> در واقع، انتخاب نخست‌وزیر توسط رئیس‌جمهور بیشتر جنبه تشریفاتی دارد، لذا به نظر می‌رسد که مناسب است که عبارت «منصوب نمودن» را برای این اقدام استفاده کنیم.<sup>۱۴</sup>

در نظام‌های نیمه‌ریاستی، قواعد اساسی لزوم همسویی زمینه سیاسی دولت و به عبارتی کابینه با اکثریت پارلمان، بیشتر جلوه‌گر است، به خصوص زمانی که انتخابات ریاست جمهوری و انتخابات مجلس قانونگذاری به صورت همزمان در نظام سیاسی تعبیه نشده باشد. در این صورت از آنجایی که هر دوره مجلس قانونگذاری الزاماً با بیش از یک دوره ریاست جمهوری مواجه

---

<sup>۱۳</sup>. سید ابوالفضل قاضی، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی (تهران: نشر میزان، ۱۳۹۵) ص ۵۰۰.

<sup>۱۴</sup>. در ادبیات خارجی موجود، از واژه "appoint" استفاده شده است که ترجمه آن به «نصب» به صواب، نزدیک‌تر است.



است قاعده اساسی لزوم أخذ رأی اعتماد دولت در صورت تغییر پارلمان در ساختار حقوقی نمایان می‌شود. البته این لازمه در حقوق اساسی جمهوری پنجم فرانسه پس از اصلاحات قانون اساسی در سال ۲۰۰۰ و همزمانی انتخابات ریاست جمهوری و مجلس قانونگذاری کمتر در ساختار حقوقی جلوه‌گری می‌کند، هرچند در این حالت نیز، قاعده اکثریت جهت تعیین نخست‌وزیر همچنان پابرجاست.<sup>۱۵</sup>

### ۳.۱. اثر عدم أخذ رأی اعتماد : عدم تشکیل دولت و انحلال پارلمان

سؤالی که ممکن است پیش آید این است که در صورتی که دولت در ابتدای سرکار آمدن نتواند رأی اعتماد از پارلمان بگیرد، چه اتفاقی در روند استقرار دولت می‌افتد؟ در پاسخ باید بیان داشت که بعد از عدم حصول رأی اعتماد جهت انتخاب و تشکیل دولت در چند نوبت متوالی، در اکثر نظام‌های پارلمانی، انحلال پارلمان راه برون‌رفت از بن‌بست سیاسی پیش آمده است. مبنای امکان انحلال پارلمان در نظام‌های پارلمانی نیز وابسته به ارتباط تنگاتنگ میان قوای تقنینی و اجرایی در ساختار قدرت است. انحلال پارلمان، ابزار سیاسی قدرتمندی است که ارتباط وثیقی با فرآیند تشکیل و برکناری دولت دارد و بر توازن کلی قوا در سیاست تأثیر می‌گذارد. انحلال پارلمان برای برون‌رفت از بن‌بست سیاسی است که حاصل عدم توافق مجلس با دولتی است که در ابتدا بنا بر موافقت صریح یا ضمنی پارلمان، تشکیل و مستقر شده است. نکته در جمله قبل، بر ماهیت دولت است، دولتی که در ابتدا بنا بر موافقت صریح یا ضمنی پارلمان تشکیل و مستقر شده است. این امر، گزاره کلیدی در فهم فلسفه مکانیزم حقوقی انحلال پارلمان است.

در نظام‌های پارلمانی، فرض بر این است که ارتباط وثیق و هماهنگی همراه با فعالیت‌های سازنده و مؤثر میان دولت و مجلس وجود دارد. بر همین اساس، اگر چنین رابطه‌ای از بین برود، انحلال پارلمان این امکان را به مردم می‌دهد که تعیین‌کننده این امر باشند که کدام یک از دولت یا

---

<sup>15</sup> . See: Sébastien G Lazard, *Cohabitation and Conflicting Politics in French Policymaking* (London: Palgrave and Macmillan, 2015).

مجلس، قدرت سیاسی را در اختیار داشته باشند. انتخاب این مسئله از طریق رأی دادن به اکثریت پارلمانی قبلی یا رأی دادن به اکثریت دیگری صورت می‌گیرد.<sup>۱۶</sup> از آن رو که در نظام‌های پارلمانی یکی از مهم‌ترین وظایف پارلمان‌ها تشکیل دولت است، اگر پارلمانی که به‌تازگی توسط رأی مردم به قدرت رسیده است، قادر به تشکیل دولت نباشد ناچار است جای خود را به اکثریت دیگر یا ائتلافی دیگر دهد که بتواند دولتی همسو با خود تشکیل دهد. در چنین حالتی، در غالب موارد، رئیس‌کشور، اعم از پادشاه یا رئیس‌جمهور، دستور انحلال پارلمان و برگزاری انتخابات جدید را می‌دهد. این دستور در برخی از کشورها بعد از سه بار ناکامی مکرر در أخذ رأی اعتماد صادر می‌شود. بر این مبنا، انحلال پارلمان تنها در نظام‌های پارلمانی و نیمه‌ریاستی معنا می‌دهد و در نظام‌های ریاستی، نه تنها خالی از توجیه است، بلکه منجر به دیکتاتوری و اقتدارگرایی رئیس‌جمهور می‌شود. در واقع، پیش‌بینی این ابزار نه تنها در نظام‌های ریاستی نیاز نیست؛ بلکه خطرآفرین است، چرا که موجب تفوق قوه‌مجریه و به حاشیه رانده شدن پارلمان می‌شود.<sup>۱۷</sup>

## ۲. عنصرشناسی فرآیند تأیید انتصابات در نظام‌های سیاسی

نقشی که مجالس قانون‌گذاری در هنگامه شکل‌گیری دولت در نظام‌های ریاستی ایفا می‌کنند در حقیقت محدودکننده خودسری‌های احتمالی رئیس‌جمهور در انتخاب همکاران و اعضای کابینه خویش در این گونه نظام‌های سیاسی است.<sup>۱۸</sup> همین امر موجب شد که بنیانگذاران قانون اساسی

---

<sup>16</sup>. Anna Dziedzic, *No Confidence Vote*, (Heidelberg: Max Plank Encyclopedia of Comparative Constitutional Law, Oxford University Law, 2016) at 10.

<sup>17</sup>. Elliot Bulmer, *Dissolution of Parliament* (International Institute for Democracy and Electoral Assistance, 2017) at 3.

<sup>18</sup>. البته درجه‌ای از نظارت و نفوذ بر تعیین اعضای دولت، در تعداد اندکی از کشورهای این دسته جاری است. بنا بر مطالعات صورت گرفته ۹۵ درصد قوانین اساسی کشورهای امریکای لاتین، به رئیس‌جمهور این اختیار را می‌دهند که اعضای کابینه خود را به صورت آزادانه انتخاب کند. فقدان چنین مکانیزمی نه به تنهایی، اما در قالب یک عنصر مؤثر برخی از نظام‌های

ایالات متحده امریکا، لزوم نظارت مجلس سنا بر انتصاب‌های رئیس‌جمهور را تعبیه کنند. بر این مبنا، قانون اساسی ایالات متحده امریکا، الگویی برای سایر نظام‌های ریاستی قرار گرفته که در صدد تدارک چنین مکانیزم نظارتی برآمده‌اند. مکانیزم مورد بحث در منابع حقوقی در قالب عباراتی همچون «فرآیند تأیید انتصاب»<sup>۱۹</sup> یا «انتصاب رئیس‌جمهور با تأیید سنا»<sup>۲۰</sup> مطرح است.<sup>۲۱</sup> از آن رو که قانون اساسی ایالات متحده امریکا الگویی برای سایر نظام‌های ریاستی جهت اخذ مکانیزم تأیید انتصاب مقامات عالی‌رتبه است، در ادامه، قالب و زمینه فرآیند تأیید انتصابات و اثر عدم تأیید انتصابات را در این نظام سیاسی پی خواهیم گرفت.

## ۱.۲. قالب فرآیند تأیید انتصابات؛ فردی

قانون اساسی ایالات متحده آمریکا، مسئولیت استقرار سمت‌های بلندمرتبه در دولت فدرال را میان رئیس‌جمهور و سنا به صورت مشترک تقسیم کرده است. بخش دوم ماده ۲ قانون اساسی این کشور مقرر می‌دارد که رئیس‌جمهور با «مشورت و رضایت»<sup>۲۲</sup> سنا، صلاحیت نصب مقامات عالی رتبه ایالات متحده را دارد. سفرا، وزرا، قضات دادگاه عالی و سایر مقامات ایالات متحده

---

ریاستی را به سمت نظام‌های توتالیتر سوق داده است. آمار ذکر شده اختصاص به دوره‌های زمانی قبل از ۱۸۷۰ تا بعد از ۱۹۷۹ دارد.

See: José Antonio Cheibub, Zachary Elkins and Tom Ginsburg, "Latin American Presidentialism in Comparative and Historical Perspective", *Texas Law Review*, Vol. 89, (2011), at 27.

<sup>19</sup>. Appointment Confirmation Process

<sup>20</sup>. Presidential Appointment with Senate Confirmation (PAS)

<sup>21</sup>. MP Carey, *Presidential Appointment, the Senate's Confirmation Process, and Changes Made in the 112th Congress*, (Washington: Congressional Research Service, 2012).

<sup>22</sup>. Advice and Consent

که توسط قانون مقرر می‌شود، مشمول این قاعده می‌گردند.<sup>۲۳</sup> هرچند در متن قانون اساسی ایالات متحده بیان شده که وزرا و سایر مقامات اجرایی باید موافقت سنا را کسب کنند؛ اما مقامات اجرایی در دکتین، صرفاً به «مقامات اصلی»<sup>۲۴</sup> محدود گردیده است و انتخاب مقامات «پایین رده»<sup>۲۵</sup> به رئیس‌جمهور واگذار شده است.

کابینه رئیس‌جمهور در عداد مقامات اصلی قرار دارد و از همین رو کابینه رئیس‌جمهور در نظام ریاستی آمریکا برای استقرار نیازمند تأیید سنا است. وزرا که در واقع مسئولین وزارتخانه‌ها هستند به همراه سایر مقاماتی که اصطلاحاً به آن‌ها مقام «هم‌سطح کابینه»<sup>۲۶</sup> کابینه اطلاق می‌شود، جهت کسب موافقت به سنا معرفی می‌شوند. مقامات هم‌سطح کابینه هرچند وزیر نیستند؛ اما مسئول سازمانی‌هایی هستند که زیر نظر رئیس‌جمهور فعالیت می‌کنند. این افراد نیز برای تصدی سمت خود لازم است که تأیید سنا را دارا باشند. آن افراد، اغلب در قالب معاونین رئیس‌جمهور نیز شناخته می‌شوند. مقامات دیگری که به عنوان مشاور<sup>۲۷</sup> یا دستیار<sup>۲۸</sup> رئیس‌جمهور شناخته می‌شوند در برخی از موارد لازم است که موافقت سنا را جهت تصدی سمت خود داشته باشند.<sup>۲۹</sup> اعلام موافقت سنا در خصوص نامزدهای پیشنهادی رئیس‌جمهور برای کابینه به صورت فردی صورت می‌گیرد. به عبارتی، قالب و موضوع مورد رای‌گیری در مجلس سنا، نامزد پیشنهادی به صورت انفرادی است. لذا در مقایسه با قالب رأی اعتماد که ممکن است ناظر به کلیت کابینه یا

---

<sup>۲۳</sup>. به غیر از وزرا و مقامات عالی رتبه اجرایی، اسامی نامزدهای منصب قضاوت دادگاه عالی ایالات متحده نیز پس از معرفی توسط رئیس‌جمهور لازم است که به موافقت سنا برسد.

See: Louis Fisher, *The Law of the Executive Branch; Presidential Power* (New York: Oxford University Press, 2016) at 124-125.

<sup>۲۴</sup>. Principal

<sup>۲۵</sup>. Inferior officers

<sup>۲۶</sup>. Cabinet level officials

<sup>۲۷</sup>. Advisor

<sup>۲۸</sup>. Assisstance

<sup>۲۹</sup>. See: Barbara L Schwemle, Garvey Chu, Todd S. Vivian and Henry B. Hogue, *The Debate Over Selected Presidential Assistants and Advisors: Appointment, Accountability, and Congressional Oversight* (Washington: Congressional Research Service, 2014) at 3.

برنامه دولت یا رئیس دولت باشد، قالب فرآیند تأیید انتصاب ناظر بر فرد وزیر یا اعضای کابینه است.

## ۲.۲. زمینه فرآیند تأیید انتصابات؛ غیر سیاسی

متن قانون اساسی ایالات متحده امریکا در خصوص مبنای رسیدگی سنا در فرآیند تأیید انتصابات ساکت است. با این حال مبنای رسیدگی سنا در خصوص نامزدهای معرفی شده، در رویه موجود، صلاحیت‌های فردی بدون در نظر گرفتن گرایش‌های سیاسی است. کنگره همواره در تأیید انتصابات مقامات اجرایی، معیارهایی نظیر تجربه، مهارت یا سابقه تحصیلی مرتبط، تابعیت، اقامت و .. را در نظر می‌گیرد.<sup>۳۰</sup> پیشنهاد موضوع نشان می‌دهد که سنا در طول سالیان، اکثر انتصابات مقامات اجرایی را تأیید کرده است. در موارد انگشت شماری، رأی‌گیری در رابطه با نامزدها در صحن سنا با شکست مواجه شده است.

هرچند کنگره با اختیار اعطایی توسط قانون اساسی می‌تواند رئیس‌جمهور را محدود کند، اما این اعمال محدودیت نامحدود نیست. اعمال محدودیت در معرفی نامزدها، بایستی معقول و در جهت ارتقا باشد. در واقع، اعمال محدودیت‌های کنگره بر نامزدهای معرفی شده از سوی رئیس‌جمهور نباید به گونه‌ای باشد که گزینه‌های موجود تحت تأثیر طرح‌ریزی مجلس قانون‌گذاری باشد.<sup>۳۱</sup> علی‌رغم وجود این اختیار بر کنگره، در مورد حد و مرز این محدودیت‌ها اتفاق نظر نیست. البته تقریباً بر روی این مسئله اتفاق نظر وجود دارد که این محدودیت‌ها نباید به گونه‌ای باشد که اختیارات قوه مجریه را بی‌اثر کند. در مجموع بیان کرد که بررسی‌های سنا بر صلاحیت‌های فردی استوار است و مرزهایی برای مداخله سنا در این رابطه وجود دارد. گزاره پیشین هرچند در مقام

---

<sup>30</sup>. Henry B. Hogue and Maeve P. Carey, *Appointment and Confirmation of Executive Branch Leadership: Overview* (Washington: Congressional Research Service, 2015) at 9. Henry B., Hogue, *Statutory Qualification for Executive Branch Positions*, (Washington: Congressional Research Service, 2015) at 11.

<sup>31</sup>. *Ibid.*, at 4.

نظر بیان می‌شود؛ اما انگشت شمار بودن عدم تأیید نامزدهای معرفی شده توسط سنا گویای حاکمیت این گزاره در مقام عمل نیز می‌باشد. هرچند ممکن است در مواردی نادر، خلاف این اتفاق افتاده باشد.<sup>۳۲</sup>

بنابراین، سنا برای آن که بخواهد به نامزد پیشنهادی رئیس‌جمهور برای عضویت در کابینه رای ندهد، نیازمند دلیل منطقی و معقولی است که برخاسته از عدم صلاحیت و شایستگی وی باشد و به صرف عدم همسویی از منظر حزبی و سیاسی نمی‌تواند فرد پیشنهادی را تأیید نماید. قاعده اساسی که نشان دهنده زمینه غیر سیاسی فرآیند تأیید انتصابات است، فقدان حکم به اخذ موافقت مجدد رئیس‌جمهور در صورت تغییر مجلس سنا است؛ برخلاف رویه و قاعده اساسی که در نظام‌های پارلمانی و نیمه‌ریاستی موجود است.

### ۲.۳. اثر فرآیند تأیید انتصابات؛ تشکیل دولت با تأخیر

مرور مراحل تأیید انتصابات در سنا، اثر و نتیجه عدم موافقت سنا با گزینه‌های پیشنهادی را نشان می‌دهد. تأیید انتصاب مقامات اجرایی در سه مرحله صورت می‌پذیرد. در مرحله اول، کاخ سفید نامزدهای مدنظر را انتخاب می‌کند. با همیاری دفتر کارکنان ریاست‌جمهوری کاخ سفید، تعیین نامزدهای احتمالی صورت می‌گیرد. اعضای کنگره و گروه‌های ذینفع نیز ممکن است که نامزدهایی را جهت معرفی رئیس‌جمهور پیشنهاد دهند. با این حال، رئیس‌جمهور مجبور نیست که از پیشنهادات پیروی کند. بعید است که رئیس‌جمهور افرادی را نامزد کند که توسط سنا با مخالفت شدید روبه‌رو شود. مخالفت اغلب اتفاق می‌افتد، اما نه از سوی خطوط حزبی، بلکه به

---

<sup>۳۲</sup>. مشاهده عملکرد ادوار مختلف سنا مبین آن است که تا کنون، تعداد محدودی از نامزدهای معرفی شده از سوی رئیس‌جمهور، مورد تأیید سنا قرار نگرفته‌اند. از سال ۱۷۸۹ تا ۲۰۰۷ تنها نه نفر از نامزدهای پیشنهادی رئیس‌جمهور برای عضویت در کابینه توسط سنا رد شده‌اند.

صورت فردی ممکن است مخالفت‌هایی صورت گیرد و ایجاد این امر هم به دلیل نبود انضباط حزبی در میان اعضای حزب است.<sup>۳۳</sup>

در مرحله دوم، سنا مشخص می‌کند که نامزدهای معرفی شده را تأیید کند یا از تأیید آن‌ها خودداری کند. اقدام سنا در این رابطه بستگی به جایگاه مقامات و سمت‌های مرتبط دارد. سنا در اکثر موارد، بدون بحث و گفتگوی عمومی انتصابات رئیس‌جمهور را تأیید می‌کند. در برخی از موارد که کنگره و یارسانه‌ها حساسیت و توجه بیشتری دارند، موضوع در جلسات استماع، تحقیق و بررسی‌ها و صحن مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. اغلب، نامزدهایی که نمی‌توانند تأیید سنا را به دست آورند در مرحله بررسی‌های کمیته و قبل از طرح موضوع در صحن سنا است. بررسی سنا بر اساس اطلاعات گردآوری شده توسط کاخ سفید انجام می‌گیرد. در مرحله پایانی، رئیس‌جمهور حکم مأموریت نامزدهایی را که توسط سنا تأیید شده‌اند، امضا می‌کند و بعد از ادای سوگند، مسئولیت‌های آن مقام به فرد منصوب محول می‌گردد.<sup>۳۴</sup>

از مطالعه و مرور مراحل فرآیند انتصابات این نکته قابل‌اصطیاد است که عدم موافقت سنا در نهایت به عدم تشکیل دولت منتهی نمی‌شود، بلکه آن چه در نهایت اتفاق می‌افتد، تشکیل دولت اما با کمی تأخیر است. در این میان نیز رئیس‌جمهور ممکن است از برخی از گزینه‌های ترجیحی اولیه خود صرف‌نظر کند تا با مخالفت احتمالی سنا مواجه نشود و شکل‌گیری کابینه زودتر انجام پذیرد.

همچنین، مطابق با ساختار سیاسی طراحی شده، رئیس‌جمهور این اختیار را دارد که هر زمان که بخواهد وزرا و مقامات اجرایی منصوب خود را برکنار کند و لازم است برای وزرا و مقامات اجرایی جدید، موافقت سنا را کسب کند. از آنجایی که ممکن است این برکناری در زمان تعطیلی سنا باشد، این اجازه به وی داده شده‌است که نامزدهای خود را به صورت موقت در سمت

---

<sup>33</sup>.Ibid, at 286.

<sup>34</sup>. Henry B. Hogue and Maeve P. Carey., op.cit, at 5-6.

خود منصوب کند؛ اما بعد از آغاز بکار مجدد سنا، رئیس‌جمهور باید نامزدهای خود را به سنا جهت کسب موافقت و تأیید معرفی نماید.<sup>۳۵</sup>

### ۳. عنصرشناسی رأی اعتماد در حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران

بعد از آن که به صورت موشکافانه، قالب، زمینه و آثار دو نهاد حقوقی رأی اعتماد و فرآیند تأیید انتصابات مورد مطالعه قرار گرفت، در این مرحله لازم است که رأی اعتماد مندرج در قانون اساسی جمهوری اسلامی از جهات سه‌گانه فوق مورد تحلیل قرار گیرد. به نظر می‌رسد که آنچه مقصود مقنن اساسی از آوردن اصطلاح «رأی اعتماد» در اصول ۸۷ و ۱۳۳ قانون اساسی بوده است با آنچه از این اصطلاح در نظام‌های پارلمانی و نیمه‌ریاستی مراد است، متفاوت باشد. به عبارتی، آنچه در ذهن مقنن اساسی بوده با آنچه در قالب الفاظ مصطلح جاری شده است، تطابق ندارد.<sup>۳۶</sup>

### ۱.۳. قالب رأی اعتماد: فردی

چنانچه در قسمت اول گذشت، قالب رأی اعتماد در نظام‌های پارلمانی و نیمه‌ریاستی در سه مدل رأی اعتماد به رئیس‌دولت که همان نخست‌وزیر یا صدراعظم است، رأی اعتماد به برنامه دولت و رأی اعتماد به هیأت‌وزیران یا همان کابینه صورت می‌پذیرد. با بازنگری در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و حذف سمت نخست‌وزیری، امکان رای‌دهی در قالب رأی اعتماد به رئیس‌دولت منتفی شده است. بعد از بازنگری، رئیس‌دولت در نظام سیاسی جمهوری اسلامی همان رئیس‌جمهور است که قدرت خود را از طریق انتخابات مستقیم از مردم می‌گیرد و بحث

---

<sup>35</sup>. Henry B. Hogue, *Recess Appointments: Frequently Asked Questions* (Washington: Congressional Research Service, 2015) at 7.

<sup>36</sup>. عدم تطابق آنچه در ذهن مقنن اساسی بوده با آنچه در لفظ جاری شده در موارد دیگری نیز قابل مشاهده است. ر.ک. سیده زهرا سعید، «بازتحلیل مسئولیت رئیس‌جمهور در برابر مجلس شورای اسلامی؛ استیضاح یا تعقیب و محاکمه»، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، شماره ۷۹ (۱۴۰۲)



رأی اعتماد در خصوص ایشان منطقا منتفی است. در رابطه با دو قالب دیگر رأی اعتماد که در نظام‌های پارلمانی رواج دارد، در حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران ملاحظاتی وجود دارد. در بازنگری قانون اساسی در سال ۱۳۶۸، متن اصول ۱۳۳ و ۸۷ قانون اساسی تقریبا دست نخورده باقی مانده و تنها واژه نخست‌وزیر حذف و رئیس‌جمهور به جای آن نشانده شده است.<sup>۳۷</sup> ظاهر متن قسمت اول اصل ۸۷ قانون اساسی، قالب رأی اعتماد به هیأت‌وزیران یا به عبارتی، رأی اعتماد جمعی در حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران را بیان می‌کند؛ اما اجرای این حکم در ساختار سیاسی جمهوری اسلامی ایران محل اشکال است.

اشکال موجود به چگونگی جمع دو حکم رأی اعتماد فردی و رأی اعتماد جمعی ارتباط دارد، چرا که عمل به هر دو حکم با چالش مواجه است. جهت جمع دو حکم رأی اعتماد جمعی و رأی اعتماد فردی به وزرا می‌توان دو فرض را مطرح کرد. فرض اول؛ ابتدائا رأی اعتماد فردی برای تک‌تک وزرا اخذ شود و سپس برای ترکیب کابینه تقاضای رأی اعتماد شود. این فرض، عقلایی به نظر نمی‌رسد، زیرا که ممکن است تک‌تک وزرا با هر نصابی رأی اعتماد فردی را اخذ کنند، اما کلیت کابینه رأی نیاورد، زیرا که برآیند معادله‌ای که در آن، برخی از نمایندگان که به تعدادی از وزرا رأی اعتماد داده‌اند و برخی از نمایندگان که به تعدادی رأی اعتماد نداده‌اند، لزوما رأی دادن به کلیت کابینه و تمامی وزیران نیست و ممکن است منجر به بن‌بست سیاسی گردد. ایراد به شیوه پیشنهادی در فرض اول نیز مورد اذعان دکتر هاشمی قرار گرفته است. ایشان در این خصوص بیان کرده‌اند: «عبارت قانونی مذکور نشان‌دهنده آن است که هیأت‌وزیران با آراء اعتماد فردی به هر یک از وزیران شکل می‌گیرد. اینک، پس از تشکیل دولت و قبل از هر گونه اقدام، رأی اعتماد جمعی مورد توجه و تأکید قانونگذار اساسی است تا همان هماهنگی که مورد اشاره قرار گرفت، با رأی اعتماد جمعی حاصل شود. این ترتیب قانونی، چندان قابل قبول به نظر نمی‌رسد، زیرا اجرای آن نیز خالی از اشکال نمی‌تواند باشد. در این خصوص، فرض

---

<sup>۳۷</sup>. صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، (تهران: اداره کل قوانین و مقررات، روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۹) ص ۴۹۴.

کنیم بر اساس اصل ۱۳۳، هر یک از وزیران، رأی اعتماد مجلس را کسب کرده باشند و مجموعاً هیأت‌وزیران تشکیل شده باشد، حال بر اساس اصل هشتاد و هفتم، پس از تشکیل و قبل از هر اقدام برای هیأت‌وزیران، به منظور رعایت هماهنگی موضوع رأی اعتماد مورد بررسی و رأی‌گیری قرار گیرد و نتیجه آن عدم کسب رأی اعتماد باشد. بدیهی است که این چنین شیوه‌ای نمی‌تواند مورد اعتناء عقلا باشد.<sup>۳۸</sup>

فرض دوم؛ ابتدائاً رأی اعتماد جمعی برای دولت أخذ شود و بعد برای تک‌تک وزرا رأی‌گیری صورت گیرد. این حکم به مراتب، غیرمنطقی‌تر از فرض اول است، زیرا که در صورتی که رأی اعتماد جمعی أخذ شود، رأی اعتماد برای تک‌تک وزرا بی‌معنا و عبث خواهد بود؛ چرا که حتی یک مورد عدم أخذ رأی اعتماد، رأی اعتماد جمعی را زیر سؤال می‌برد.<sup>۳۹</sup> علاوه بر دو فرض فوق که از ظاهر اصول قانون اساسی می‌توان تصور کرد، برخی از صاحب‌نظران پیشنهاد داده‌اند که «ابتدا، مجلس برنامه هماهنگ دولت را مورد بررسی و تصویب قرار دهد و پس از آن برای وزرا پس از بررسی و اطمینان خاطر نسبت به قابلیت فردی و جمعی هر یک از آنان اعلام رأی اعتماد بنماید.»<sup>۴۰</sup> حتی بر فرض عدم ایراد قانون اساسی به این الزام،<sup>۴۱</sup> اگر در ابتدا حکم کنیم که برنامه دولت رأی آورد و بعد وارد بررسی رأی اعتماد به وزرا به صورت جمعی و فردی باشیم، مشکل را پیچیده‌تر کرده‌ایم. رئیس‌جمهوری که سکان‌دار دولت است و با رأی مستقیم مردم به قدرت رسیده است، اگر برنامه‌ای ارائه کند که مورد قبول مجلس نباشد و برنامه‌اش رأی نیاورد، باید چه کند؟ تا چند مرتبه می‌تواند برنامه‌ای ارائه کند تا در نهایت رأی مجلس را أخذ کند؟ اگر به هر ترتیبی نتواند نظر نمایندگان در خصوص برنامه دولت را جلب کند، آیا مجبور

---

<sup>۳۸</sup>. سید محمد هاشمی، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، حاکمیت و نهادهای سیاسی، جلد ۲ (تهران: نشر میزان، ۱۳۸۹) صص ۱۶۲-۱۶۳

<sup>۳۹</sup>. نظر به وجود چالش‌های نظری و عملی پیرامون رأی اعتماد جمعی به هیأت‌وزیران در حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، برخی از پژوهشگران قائل به تحقق متروک شدن اساسی قسمت اول اصل ۸۷ قانون اساسی هستند. ر.ک. سیده زهرا سعید، «بررسی قالب رأی اعتماد در حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران با نگاهی به نظام‌های سیاسی»، در حال داوری

<sup>۴۰</sup>. هاشمی، پیشین، ص ۱۶۳

به استعفا است؟ آیا منطقی است که رئیس‌جمهوری که در زمان نزدیکی به رأی اعتماد مجلس به وزرا با پشتوانه مردمی از طریق انتخابات، سکان‌دار دولت شده‌است، با عدم جلب نظر نمایندگان مجبور به استعفا شود؟ در این حالت، سرنوشت رأی مردم و انتخابات برگزار شده، چه می‌شود؟

علاوه بر موضوع برنامه دولت به عنوان موضوع احتمالی رأی اعتماد که توسط رئیس‌جمهور به مجلس شورای اسلامی تقدیم شود، می‌توان صحبت از برنامه وزیر به عنوان موضوع مورد اعتماد نیز کرد. هر چند مخاطب رأی اعتماد در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، وزرا هستند و نه برنامه آن‌ها، اما در بررسی صلاحیت‌های وزرا توسط نمایندگان، یکی از مواردی که مورد توجه قرار می‌گیرد، برنامه وزیر است. ماده ۲۰۵ قانون آیین‌نامه داخلی مجلس، به همین منظور مقرر می‌دارد: «..... در پی اظهارات و دفاعیات رئیس‌جمهور، مجلس، شور در مورد برنامه‌ها و صلاحیت هر یک از وزیران را به صورت جداگانه آغاز خواهد نمود...». برنامه دولت و همچنین، برنامه وزیر در حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، جنبه تأسیسی ندارد. مراد از جنبه تأسیسی، آن است که برنامه، ملاک استقرار دولت باشد؛ مانند آن‌چه که در مبحث قالب رأی اعتماد در نظام‌های پارلمانی گذشت. با این حال، برنامه وزرا در سالیان اخیر در جمهوری اسلامی ایران، معیار و ملاک مؤثری در أخذ رأی اعتماد به وزرا قرار گرفته است. هر چند دارا بودن برنامه مدون به تفکیک هر وزارت‌خانه، امری شایسته است و موجب پیشبرد بهتر امور خواهد شد، اما تغایر برنامه با انتظارات نمایندگان می‌تواند روند تشکیل دولت را به تأخیر اندازد. همان چالش‌ها و سوالات مقدری که در خصوص لزوم أخذ رأی اعتماد برای برنامه دولت طرح شد، در خصوص برنامه وزیر نیز قابل طرح است. سوالاتی از قبیل: برنامه وزرا باید تأمین‌گر کدام یک از انتظارات باشد؟ انتظارات مجلس یا انتظارات رئیس‌جمهور؟ اگر نمایندگان مجلس به مردم شعارها و وعده‌هایی داده‌اند، آیا مسیر تحقق وعده‌هایشان، برنامه‌های وزرای دولت است؟ درست است که هر کدام از نمایندگان مجلس و دولت به هنگام انتخابات، وعده‌هایی به مردم داده‌اند که لازم است به آن‌ها عمل کنند، اما اگر سیاست‌های مجلس و دولت با یکدیگر همسو نباشد، آیا می‌توان

بیان داشت که وزرای دولت بایستی انتظارات مجلس را محقق کنند؟ منطقاً، وزرا در وهله اول، مکلف به گام نهادن در تحقق اهداف و وعده‌های دولت هستند و بر اساس این منطق، مناسب نمی باشد که برنامه وزیر به عنوان قالب رأی اعتماد قرار گیرد.

بنابراین، بنا به توضیحات فوق باید اذعان داشت که در حال حاضر قالب نهاد حقوقی رأی اعتماد در حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، فردی و ناظر به تک‌تک وزرا به صورت انفرادی است. قالب نظارت مجلس بر دولت در استانه شکل‌گیری به صورت فردی بیش از آن که با رأی اعتماد در معنای تخصصی خود شباهت داشته باشد، با قالب فردی فرآیند تأیید انتصابات شباهت دارد.

### ۲.۳. زمینه رأی اعتماد : غیرسیاسی

مطابق عرف و سنت حاکم در نظام‌های پارلمانی با تشکیل مجلس جدید، مسئله اعتماد اکثریت پارلمانی جدید به هیأت‌وزیران و ابقا یا تغییر نخست‌وزیر یا صدراعظم مطرح می‌شود و حال آن‌که در نظام سیاسی ایران به موجب اصل ۱۳۳ قانون اساسی با تغییر مجلس، گرفتن رأی اعتماد جدید برای وزیران از مجلس لازم نیست. به عبارت دیگر، با تشکیل مجلس جدید، هیأت‌وزیرانی که قبلاً مستقر شده است همانند دولت در نظام‌های ریاستی به کار خود ادامه می‌دهد و نیازمند دریافت اعتماد مجدد از مجلس نیست<sup>۴۱</sup>. رویه ریاستی استقرار هیأت‌دولت پس از بازنگری قانون اساسی در سال ۱۳۶۸ نیز ماهیت ریاستی رأی اعتماد به وزیران در جمهوری اسلامی ایران را تأیید می‌کند، زیرا برخلاف تجربه ده ساله اولیه اجرای قانون اساسی از سال ۱۳۵۸ تا سال ۱۳۶۸، انتخاب وزیران برآمده از اکثریت سیاسی حاکم در پارلمان و مطابق تمایل سیاسی آن‌ها ضرورت ندارد. به عبارت دیگر، وزیران در جمهوری اسلامی ایران همسو با گرایش سیاسی رئیس‌جمهور انتخاب می‌شوند و در صورت تفاوت تمایلات اکثریت سیاسی حاکم در پارلمان با تمایل سیاسی رئیس‌جمهور، اکثریت پارلمانی متوقع نیست که وزیران از میان آن‌ها یا بر اساس تمایل سیاسی‌شان انتخاب شوند. این قاعده اساسی که در متن قانون اساسی نیز متبلور شده است، نشان از ماهیت غیرسیاسی رأی اعتماد در حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران دارد. رویه عملی دولت‌هایی که در سالهای پس از بازنگری قانون اساسی مستقر شده‌اند این امر را تأیید می‌کند.<sup>۴۲</sup>

بررسی سوابق شغلی و تحصیلات مرتبط با وزارت‌خانه در کمیسیون‌های تخصصی مجلس شورای اسلامی پیش از رای‌گیری و نطق‌های موافقان و مخالفان نمایندگان برای فرد پیشنهادی رئیس‌جمهور در صحن علنی مجلس هنگام أخذ رأی اعتماد، در اکثر موارد نشان از زمینه

---

<sup>۴۱</sup>. جواد تقی‌زاده و سمانه تقی‌زاده جاری، پیشین، ص ۲۰۳

<sup>۴۲</sup>. همان، ص ۲۰۶

غیرسیاسی رأی اعتماد مندرج در متن قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است. در واقع، آنچه مستمسک نمایندگان در عدم موافقت با فرد پیشنهادی رئیس‌جمهور جهت تصدی سمت وزارت است صرف عدم همسویی سیاسی نمایندگان با وی نمی باشد، هرچند ممکن است در برخی از موارد اختلاف نظرهای سیاسی به دلایل قانونی عدم تأیید فرد پیشنهادی در نطق‌های نمایندگان مبدل شود، اما اصل ۱۳۳ قانون اساسی به‌طور قطع عدم نیاز به هم‌فکری و همسویی سیاسی دولت با نمایندگان مجلس اسلامی را ثابت می‌کند. گزاره «لزوم معقول بودن نظارت مجلس شورای اسلامی بر دولت» و لزوم ملاک قرار دادن صلاحیت‌ها و شایستگی‌ها در زمان اخذ رأی اعتماد به وزرا بدون ملاحظات سیاسی در بیانات اخیر مقام معظم رهبری در دیدار با نمایندگان مجلس شورای اسلامی، مشعر زمینه غیرسیاسی رأی اعتماد در حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران است.<sup>۴۳</sup>

### ۳.۳. اثر عدم اخذ موافقت: تشکیل دولت با تأخیر

هرچند بیان می‌شود که در نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران، لازمه تشکیل دولت اخذ رأی اعتماد از مجلس می‌باشد و تا زمانی که دولت رأی اعتماد مجلس را اخذ ننماید، فاقد رسمیت خواهد بود، اما در صورتی که وزرای پیشنهادی رئیس‌جمهور موفق به اخذ رأی اعتماد نشوند، آن اثری که از نهاد رأی اعتماد انتظار می‌رود، در نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران وجود ندارد. چنانچه در ابتدای نوشتار گذشت، در نظام‌های سیاسی اثر عدم کسب رأی اعتماد در چند

---

<sup>۴۳</sup> . مقام معظم رهبری در دیدار با نمایندگان در تاریخ سوم خرداد ۱۴۰۲ در خلال بیانات خود به بحث رأی اعتماد به وزرا پرداختند. ایشان در بیانات خود فرمودند که: «یکی از مواردی که من [بر آن] تکیه می‌کنم، همین مسئله‌ی بعضی از سخت‌گیری‌ها در مورد وزرائی است که به مجلس ارائه می‌شود. گاهی اوقات در مورد وزیر پیشنهادی دولت یک سخت‌گیری‌های غیرلازمی می‌شود که موجب می‌شود که وزارتخانه مدت‌ها بی‌وزیر بماند و با سرپرست اداره بشود؛ خوب این به کشور ضربه می‌زند. باید دقت کرد، بایستی صلاحیت‌ها را تشخیص داد، در این تردیدی نیست، منتها سخت‌گیری در حد منطقی، در حد معقول؛ حالا الان در چند وزارتخانه ما وزیر نداریم که این‌ها همه به مجلس می‌آیند.»

نوبت متوالی، انحلال پارلمان است، اما آیا چنین نتیجه‌ای در نظام سیاسی جمهوری اسلامی محقق است؟ در حقیقت، نتیجه عدم رأی اعتماد به وزرا در زمان تشکیل دولت چیست؟ به صورت کوتاه می‌توان بیان داشت که نتیجه عدم رأی اعتماد به وزرا، معرفی وزیر دیگر است. این قضیه تا آن‌جا ادامه خواهد داشت که فردی بتواند رأی اعتماد از مجلس بگیرد. به بیانی دیگر، نتیجه عدم رأی اعتماد به وزرا کوتاه آمدن رئیس‌جمهور از گزینه‌های ترجیحی اولیه خود و تشکیل کابینه با تأخیر است. اما این امر هیچ تزلزلی به لحاظ حقوقی به جایگاه رئیس‌جمهور وارد نمی‌کند و مانع شکل‌گیری دولت نمی‌شود. موضوع انحلال پارلمان نیز به درستی در قانون اساسی ذکر نشده است.

از سخنان یکی از اعضای مجلس بازنگری قانون اساسی، اثر عدم رأی اعتماد در ساختار سیاسی جمهوری اسلامی ایران را می‌توان اصطیاد کرد. ایشان پیرامون موضوع رأی اعتماد بیان می‌کند: «مجلس هم بالاخره می‌خواهد رأی بگیرد، مجلس که نمی‌تواند بگوید اصلاً بنده به وزرا نمی‌خواهم رأی بدهم، فعلاً دلم نمی‌خواهد به وزرا رأی بدهم، اگر مجلس چنین حقی داشت که بگوید آقای رئیس‌جمهور یکی دو سال اصلاً ما حوصله رأی دادن به وزرا را نداریم، می‌گفتیم بابا این چه تمرکزی در قوه مجریه است که رئیس‌جمهور می‌خواهد مملکت را اداره کند، وزیر می‌خواهد، نمایندگان مجلس می‌گویند ما فعلاً رأی نمی‌دهیم. همچو بحثی که نیست. مجلس موظف است بعد از آن که رئیس‌جمهور، وزرا خودش را معرفی کرد رأی بدهد، حالا حدش این است که می‌گوید این ۵ نفر را قبول ندارم، یک ۵ نفر دیگر بیاور، خوب، ۵ نفر دیگر می‌آورد. بالاخره یک‌روز، دو روز، یک‌هفته، دو هفته، مجلس انتخاب خودش را خواهد کرد، رأی هم خواهد داد.»<sup>۴۴</sup> این که چنین تلقی وجود داشته که «مجلس موظف است در نهایت به وزرای رئیس‌جمهور رأی اعتماد دهد» و این که «حدش تأخیر چند روزه در أخذ رأی اعتماد است و نه عدم تشکیل دولت و یا انحلال مجلس» مبین اثر عدم کسب رأی اعتماد در ساختار سیاسی

---

<sup>۴۴</sup>. صورت مشروح مذاکرات مجلس بازنگری قانون اساسی، پیشین، ص ۱۱۲۱

جمهوری اسلامی ایران و نشان دهنده تفاوت قصد قانونگذار با معنای اراده شده نسبت به مفهوم تخصصی رأی اعتماد دارد.

به صورت مشخص، در رابطه با قصد قانونگذار اساسی از بیان رأی اعتماد به وزرا در آغاز تشکیل دولت، می توان مطالبی را به نحو ایجابی و سلبی ادعا نمود؛ اول، قصد قانونگذار از ذکر لفظ رأی اعتماد، فی الجمله، این بوده است که افرادی که قرار است متصدی سمت وزارت شوند، دارای شایستگی و لیاقت باشند. دوم، قصد قانونگذار از آوردن لفظ رأی اعتماد، کارکرد سیاسی این نهاد چنانچه در نظام های پارلمانی مستقر است، نبوده است. به عبارتی، قانونگذار اساسی در نظر نداشته که نمایندگان مجلس لزوماً به وزرایی رأی اعتماد دهند که تفکر سیاسی آنها با اکثریت نمایندگان مجلس شورای اسلامی یکی باشد.

بنابراین، هرچند نهاد رأی اعتماد در اساس، تضمین گر تشکیل دولت همسو از نظر سیاسی با مجلس است، ولی رویه عملی در نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران، گویای مغایرت این نهاد با فلسفه وجودی خود است. مجلس در تأیید وزرا و دادن رأی اعتماد به آنها بیشتر از منطبق نظام ریاستی تبعیت می کند و معمولاً مقاومت گسترده ای در برابر گزینه های پیشنهادی دولت از خود نشان نمی دهد، حال آن که خصیصه پارلمانی ایجاب می کند تا وزرا مطابق با تمایلات پارلمان روی کار آیند.<sup>۴۵</sup>

نکته ای دیگر که مشابهت رأی اعتماد موجود در حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران را با فرآیند تأیید انتصابات نشان می دهد مربوط به لزوم أخذ رأی اعتماد برای وزیر پیشنهادی جدید

---

<sup>۴۵</sup>. لازم است در تکمیل بحث نوع رابطه دولت و پارلمان به تفاوتی که در نظام های پارلمانی اکثریتی و نظام های پارلمانی ائتلافی است، توجه شود. گزاره مذکور در متن به صورت خالص و عیان در نظام پارلمانی اکثریتی نمود می ند، درحالیکه در نظام پارلمانی ائتلافی، به دلیل وجود احزاب مختلف در پارلمان این موضوع کمی تعدیل می شود. ر.ک. حسن و کیلیان، ویژگی ها و معیارهای ارزیابی نظام های حکومتی (مطالعه تطبیقی نظام های پارلمانی، ریاستی و مختلط) (تهران: دفتر مطالعات حقوقی مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۲) صص ۲۶-۲۷ و ۵۹-۶۲.



در صورت برکناری یا استعفای فرد است. در حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، در صورت برکناری یا استعفای یک وزیر، رئیس‌جمهور موظف است فرد پیشنهادی خود را به مجلس شورای اسلامی جهت اخذ رأی اعتماد معرفی کند و در صورتی که فرد پیشنهادی نتواند رأی اعتماد نمایندگان را کسب کند، رئیس‌جمهور به صورت موقت فردی را به عنوان سرپرست وزارتخانه منصوب می‌کند تا وزیر مربوطه بتواند از مجلس رأی اعتماد بگیرد. این موضوع با لزوم کسب موافقت سنا برای نامزدهای پیشنهادی رئیس‌جمهور از طریق فرآیند تأیید انتصابات شباهت دارد. این در حالی است که در نظام‌های پارلمانی و نیمه‌ریاستی که برای فرد فرد اعضای کابینه رای گیری جداگانه نمی‌شود، در صورتی که وزیری استعفا دهد یا برکنار شود، لازم نیست برای فرد جدید در کابینه از پارلمان رأی اعتماد گرفت.<sup>۴۶</sup>

پس از بررسی عناصر سه گانه قالب، زمینه و اثر رأی اعتماد و فرآیند تأیید انتصابات و تطبیق آن‌ها با نظارت مجلس شورای اسلامی در ابتدای شکل‌گیری دولت<sup>۴۷</sup>، دقت در صدور احکام ابلاغی روسای جمهور جهت نصب افراد کابینه نیز محل تامل است. رؤسای جمهور در سال‌های اخیر پس از اخذ رأی اعتماد وزرا از مجلس شورای اسلامی، با صدور احکامی هر یک از وزیران

---

<sup>46</sup>. Bjørn Erik, Shane Martin and José Antonio Cheibub, op cit. at 335.

<sup>47</sup>. هر چند نویسنده پس از طی این مراحل به این نتیجه رهنمون می‌شود که رأی اعتماد موجود در حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران مشابهت بیشتری با فرآیند تأیید انتصابات در نظام‌های ریاستی دارد، اما به این تفاوت واقف است که فرآیند تأیید انتصابات توسط مجلس دوم در نظام‌های ریاستی صورت می‌گیرد، حال آنکه اخذ رأی اعتماد در نظام‌های پارلمانی ناظر بر مجلس اول در نظام‌های دو مجلسی است. تنها استثنا در این خصوص، نظام سیاسی ایتالیا است که هم مجلس اول و هم مجلس دوم در شکل‌گیری دولت نقش دارد.

See: Susso Federico, "Government formation in Italy, the Challenge of Bicameral Investiture", In *Parliaments and Government Formation, Unpacking Investiture Rules*, Bjørn Erik, Shane, Martin and José Antonio, Cheibub (eds;) (London: Oxford University Press, 2015) at 136-153.

در حالی که در نظام تک مجلسی جمهوری اسلامی ایران، رأی اعتماد مصطلح در متن قانون اساسی ناظر بر مجلس شورای اسلامی و نه مجلس دوم است.

را در سمت وزارت منصوب می‌کنند. این احکام صادره اغلب متضمن پیوست و ضمائم نیز هست که شامل برخی دستورالعمل‌ها و تعیین اولویت‌های هر یک از وزارت‌خانه‌ها می‌شود. قرینه کلام و لسان این احکام دلالت بر شباهت این امر با مرحله پایانی فرآیند تأیید انتصابات دارد که رئیس‌جمهور، حکم مأموریت نامزدهایی را که توسط سنا تأیید شده‌اند، امضا و مسئولیت را به آن‌ها محول می‌کند.

### جمع بندی

نتایج مطالعات و بررسی‌های صورت گرفته پیرامون بازتحلیل ماهیت رأی اعتماد در حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران پس از عنصرشناسی دو نهاد حقوقی «رأی اعتماد» و «فرآیند تأیید انتصابات» در سه بند زیر قابل توضیح و تبیین است:

قالب یا موضوع رأی اعتماد در نظام‌های پارلمانی و نیمه‌ریاستی ناظر به کلیت کابینه یا هیأت‌وزیران، رئیس دولت یا نخست وزیر و برنامه دولت است. در میان کشورهای با نظام پارلمانی و نیمه‌ریاستی، از میان سه گانه فوق، برخی یک مورد و برخی دو یا هر سه مورد را در نظام حقوقی پذیرفته‌اند. قالب فرآیند تأیید انتصابات، به صورت فردی و ناظر بر تک تک افراد است. هرچند در متن قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از رأی اعتماد جمعی به هیأت‌وزیران نیز صحبت شده است و لکن به دلیل چالش‌های عملی در ساختار حقوقی و سیاسی، باید بیان داشت که قالب رأی اعتماد در جمهوری اسلامی ایران نیز فردی است که شباهت بیشتری با قالب فرآیند تأیید انتصابات دارد.

در نظام‌های پارلمانی و نیمه‌ریاستی، لزوم همسویی دولت با اکثریت پارلمانی وجود دارد. این قاعده سبب می‌شود در صورت تغییر اعضای پارلمان، دولت ملزم به درخواست رأی اعتماد از پارلمان جدید باشد. این امر نشان‌دهنده زمینه سیاسی نهاد حقوقی رأی اعتماد است. در حالی که، در فرآیند تأیید انتصابات همسویی دولت با مجلس قانونگذاری تضمین نمی‌شود و معیار بررسی

مجلس قانونگذاری در خصوص نامزدهای پیشنهادی، صلاحیت و شایستگی‌ها بر اساس تجربه و سوابق شغلی است. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با ذکر مفاد اصل ۱۳۳ قانون اساسی لزوم همسویی سیاسی دولت با نمایندگان پارلمان را نفی می‌کند. این امر به همراه رویه نمایندگان در بررسی نامزدهای پست وزرات نشان از زمینه غیرسیاسی رأی اعتماد و مشابهت آن با فرآیند تأیید انتصابات دارد.

در صورتی که دولت در نظام‌های پارلمانی نتواند رأی اعتماد لازم را کسب کند، دولت نمی‌تواند تشکیل شود و در برخی از کشورها بعد از عدم أخذ رأی اعتماد به صورت متوالی، انحلال پارلمان برای برون‌رفت از بن‌بست سیاسی مطرح می‌شود. در حالی که در نظام ریاستی، اگر رئیس‌جمهور نتواند برای برخی از نامزدهای پیشنهادی وزرات از مجلس سنا موافقت کسب کند، افراد دیگری را معرفی می‌نماید و در نهایت با تأخیر دولت تشکیل می‌شود. در نظام جمهوری اسلامی ایران نیز اثر عدم أخذ رأی اعتماد، تشکیل دولت با تأخیر و کوتاه آمدن رئیس‌جمهور از گزینه‌های ترجیحی اولیه خود است. همچنین، دو مقوله لزوم أخذ رأی اعتماد برای وزیر جدید در صورت برکناری یا استعفا و صدور احکام ابلاغی رئیس‌جمهور جهت نصب اعضای کابینه دلالت بر شباهت رأی اعتماد مصطلح در حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران با فرآیند تأیید انتصابات در نظام‌های ریاستی دارد.

## منابع

### الف) منابع فارسی

#### کتاب‌ها:

سعید، سیده زهرا، تحلیل مسائل نخست‌وزیری در قانون اساسی ۱۳۵۸ از منظر عرف اساسی، در مجموعه مقالات دومین همایش اصول نانوشته قانون اساسی، (قم: دانشکدگان فارابی دانشگاه تهران، زیر چاپ)

صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، (تهران: اداره کل قوانین و مقررات، روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۹)

قاضی، سید ابوالفضل، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی (تهران: نشر میزان، ۱۳۹۵)

وکیلان، حسن، ویژگی‌ها و معیارهای ارزیابی نظام‌های حکومتی (مطالعه تطبیقی نظام‌های پارلمانی، ریاستی و مختلط)، (تهران: دفتر مطالعات حقوقی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۲)

هاشمی، سید محمد، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، حاکمیت و نهادهای سیاسی، جلد ۲ (تهران: نشر میزان، ۱۳۸۹)

### مقالات:

تقی زاده، جواد و تقی زاده چاری، سمانه، «ماهیت پارلمانی یا ریاستی رأی اعتماد به هیأت وزیران در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران» فصلنامه دولت پژوهی، شماره ۲۹، سعید، سیده زهرا، «بازتحلیل مسئولیت رئیس جمهور در برابر مجلس شورای اسلامی؛ استیضاح یا تعقیب و محاکمه»، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، شماره ۷۹ (۱۴۰۲)

سعید، سیده زهرا، «بررسی قالب رأی اعتماد در حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران با نگاهی به نظام‌های سیاسی»، در حال داوری

### ب) منابع انگلیسی

#### Books:

Carey, MP., *Presidential Appointment, the Senate's Confirmation Process, and Changes Made in the 112th Congress*, (Washington: Congressional Research Service, 2012)

Dowding, Keith and Dumont, Patrick, *The Selection of Ministers Around the World* (Landon: Routledge, 2009)

Dziedzic, Anna, *No Confidence Vote*, (Heidelberg: Max Plank Encyclopedia of Comparative Constitutional Law, Oxford University Law, 2016)

Erik, Bjørn, Martin, Shane and Cheibub, José Antonio, "Investiture Rules and Government Formation", In *Parliaments and Government Formation, Unpacking*

Investiture Rules, Erik, Bjørn, Martin , Shane and Cheibub, José Antonio (eds;) (London: Oxford University Press, 2015)

Federico, Susso, “Government formation in Italy, the Challenge of Bicameral Investiture”, In *Parliaments and Government Formation, Unpacking Investiture Rules*, Erik, Bjørn, Martin , Shane and Cheibub, José Antonio (eds;) (London: Oxford University Press, 2015)

Griglio, Elena , *Parliamentary Oversight of the Executives, Tools and Procedures in Europe* (London: Hart publishing, 2020)

Grote, Rainer, *Parliamentary Systems*, (Heidelberg: Max Plank Encyclopedia of Comparative Constitutional Law, Oxford Constitutional Law, 2016)

Hogue, Henry B., and Carey, Maeve P., *Appointment and Confirmation of Executive Branch Leadership: Overview*, (Washington: Congressional Research Service, 2015)

Hogue, Henry B., *Recess Appointments: Frequently Asked Questions*, (Washington: Congressional Research Service, 2015)

Hogue, Henry B., *Statutory Qualification for Executive Branch Positions*, (Washington: Congressional Research Service, 2015)

Laver, M. and Schofield, N., *Multiparty Government: The Politics of Coalition in Europe*, (Michigan: University of Michigan Press, 1998)

Lazardeux, Sébastien G, *Cohabitation and Conflicting Politics in French Policymaking*, (London: Palgrave and Macmillan, 2015)

Louis, Fisher, *The Law of the Executive Branch; Presidential Power* (New York: Oxford University Press, 2016)

Robert, Elgie, *Divided Government in Comparative Perspective* (New York: Oxford University Press, 2001)

Schwemle, Barbara L., Chu, Garvey, S. Vivian, Todd and Hogue, Henry B. , *The Debate Over Selected Presidential Assistants and Advisors: Appointment, Accountability, and Congressional Oversight*, (Washington: Congressional Research Service, 2014)

Tan, Kevin YL , *Presidential systems*, (Heidelberg: Max Plank Encyclopedia of Comparative Constitutional Law, Oxford University Law, 2017)

**Articles:**

Antonio, José, Zachary, Cheibub Elkins and Ginsburg, Tom, “Latin American Presidentialism in Comparative and Historical Perspective”, *Texas law Review*, Vol. 89, (2011)

Huber, John D , “The Vote of Confidence in Parliamentary Democracies”, *The American Political Science Review*, Vol. 90, (1998)

Meinel, Florian, “Confidence and Control in Parliamentary Government: Parliamentary Questioning, Executive Knowledge and the Transformation of

Democratic Accountability”, American Journal of Comparative Law, Vol. 66,  
(2018)

**websites:**

<https://www.mizanonline.ir/fa/news/4714433/>